

عنوان: بررسی پدیدارشناسی ماهیت پرستاری ایران

نام دانشجو: علیرضا نیکبخت

رشته و مقطع تحصیلی: Ph.D آموزش پرستاری

استاد راهنما: دکتر زهره پارسا یکتا

اساتید مشاور: دکتر سادات سیدباقرمداح، دکتر آریتا امامی

شماره پایاننامه: ۱۲۰

مقدمه: تبیین ماهیت کار پرستاری و توسعه دانش پرستاری و گسترش تحقیق پیرامون آن در هر جامعه ای، مستلزم تبیین فلسفی ماهیت کار پرستاری در بافت فرهنگی، اجتماعی خاص خود و شناخت نوع تاثیر هنجارهای این بافت بر اهمیت کار پرستاری، ارزش اجتماعی آن و در مجموع بر فرآیند اجتماعی شدن حرفه دارد. بر همین اساس تبیین پارادایم حرفه ای پرستاری در جوامع مختلف و تعیین مجموعه عوامل تاثیر گذار بر آن همراه با آشکارسازی نوع نگاه مردم (افکار عمومی) و خود پرستاران به حرفه پرستاری از ضروریات تکامل حرفه ای و اولین گام در راه رسیدن به یک دیدگاه و یا تفاهم حرفه ای مشترک در پرستاری محسوب میشود.

بدین منظور در این تحقیق، زوایای پنهان و آشکار پارادایم حاکم بر پرستاری و تجربه "پرستار بودن" در ایران با یک بررسی پدیدارشناسانه از "تجربه زنده" گروهی از پرستاران مورد بررسی و این پارادایم با پارادایم حاکم بر جامعه پرستاری یک کشور توسعه یافته (سوئد) مورد مقایسه قرار گرفت. در این رویکرد تفسیر تجربه زنده پرستاران از پدیده پرستاری ما را به آشکار سازی ماهیت مستتر در آن رهنمون می شود.

روش کار: روشهای جمع آوری داده ها در این مطالعه شامل مصاحبه های نیمه سازمان یافته چهره به چهره، مصاحبه در گروههای کوچک، مشاهده، استفاده از نوشتارها و حکایات ثبت شده پرستاری در زمینه تجربه مورد نظر و همچنین استفاده از تصاویر (فوتوگراف) و دیگر اسناد مکمل بوده است.

در مجموع، ۲۴ مصاحبه با ۲۴ پرستار شرکت کننده ایرانی، ۶ مصاحبه با پرستاران شرکت کننده سوئدی، ۱۶۸ حکایت ثبت شده در زمینه مراقبت و پرستاری و چندین تصویر مراقبتی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل که بطور همزمان با جمع آوری داده ها مورد استفاده قرار گرفت، روش تجزیه و تحلیل درونمایه ای بنر بود. در این روش کلیه متون ضبط شده مصاحبه ها، شرح حکایات و نوشتارهای ثبت شده پرستاران و مشاهدات پژوهشگر ابتدا کلمه به کلمه و با دقت پیاده گردید و بعد از چندین و چند بار مرور به منظور غوطه وری در اطلاعات همراه با سایر اسناد مورد تجزیه و تحلیل درونمایه ای قرار گرفت.

یافته ها: در این مطالعه در مجموع ۴ درونمایه اصلی و ۴ درونمایه فرعی استحصال گردید. درونمایه های اصلی این مطالعه عبارتند از: آلترونیسم، پرستاری و مشکلات تجربه شده، فرسودگی روانی و هویت حرفه ای ضعیف، و درونمایه های فرعی شامل نودوستی، روتین مداری، مسئله تعویض ملافه (و در مجموع انجام مراقبت های اولیه پرستاری) و معضل ازدواج بود.

در یک نتیجه گیری کلی تجربه پرستاری تجربه مطلوبی برای پرستاران شرکت کننده ایرانی نبوده، و به غیر از عده خیلی از پرستارانی که با نگرش مذهبی (آلترونیسم) به کار پرستاری پرداخته و لذا از انگیزه مناسب و کافی جهت بقای در سیستم برخوردارند، اما برای اکثریت قریب به اتفاق پرستاران، تجربه پرستاری مترادف با تجربه مشکلات بوده است، مشکلات ناشی از محیط کار، مشکلات فرهنگی-اجتماعی و مشکلات ناشی از محتوای غیر چالشی، غیر مطلوب و غیر اقناع کننده کار پرستاری.

نتیجه گیری: در پیکره پرستاری ایران "فرسودگی روانی" به طرز واضح و شفاف پدیدار بوده و همچون سایه بانی سترگ بر بدنه جامعه پرستاری ایران سایه انداخته است. این فرسودگی روانی هم ناشی از ماهیت کار پرستاری در ایران، ماهیت راهوار گونه و روتین مدار آن، هم ناشی از محتوای غیرحرفه ای و غیرتخصصی کار پرستاری در عرصه عمل و هم ناشی از همه مشکلات و مسائل حاشیه ای حرفه ای است

که کار اصلی پرستاری را تحت الشعاع خود قرار داده، و هم به لحاظ تاثیر نگرش نه چندان مثبت فرهنگی- اجتماعی به حرفه و تاثیر آن بر سرنوشت فردی و یا خانوادگی و در مجموع بر پیشرفتهای فردی آنان در زندگی خود بوده است.

در پرستاری ایران همچنین پدیده مراقبت برای پرستاران تعریف نشده است و آنان انجام صرف خدمات پرستاری را در واقع مراقبت می پندارند و از این منظر افتراقی بین مراقبت و پرستاری قائل نبوده و نیستند. در واقع نگرش راهوار گونه آنان به ارائه خدمات از پیش تعیین شده هدایت کننده کار پرستاری در بخش ها بوده و به همین لحاظ پرستاران از نظر حرفه ای احساس عدم شایستگی ، بی ارزشی و بی هویتی نموده و خواستار تغییری بنیادین در این حرفه هستند.

همه این عوامل بطور همزمان و در طی سالهای متوالی فرهنگ حرفه ای پرستاری را متاثر نموده و آن را به گونه ای در آورده است که امروزه شاهد آن هستیم. نگاه علمی، محققانه و واقع بینانه به همه عوامل مذکور و ریشه- یابی علل ایجاد آن و همچنین بررسی روند شکل گیری و تثبیت و نتیجه برآیند نهایی آن از نگاه حرفه ای نشان دهنده وجود چتر مفهومی وسیع تر و دامنه دارتری است که ما در این تحقیق از آن نه به عنوان ” بی هویتی حرفه ای “ بلکه با عنوان ” هویت حرفه ای ضعیف “ یاد نموده ایم.

در پایان بر اساس یافته های حاصل از این مطالعه مواردی جهت استفاده در آموزش و خدمات پرستاری بمنظور ارتقاء جایگاه علمی، فرهنگی و اجتماعی پرستاری در ایران ارائه گردیده است. پژوهشگر معتقد است اجرای برنامه هایی جامع و فراگیر در عرصه خدمات و آموزش می تواند فرآیند حرفه ای شدن را تسهیل نموده و به ارتقاء جایگاه و موقعیت پرستاری در ایران کمک نماید.

واژه های کلیدی: ماهیت پرستاری، تجربه پرستاری، پدیدارشناسی، هویت حرفه ای، فرسودگی روانی، پرستاری ایران، پرستاری سوئد، آلترئیسیم، مشکلات پرستاری.